



بسم الله الرحمن الرحيم

اعلام موجودیت و امکان آن در نظامهای استبدادی (به مناسبت ۱۵ آذر ، سالروز اعلام موجودیت سما)

قبل از هر چیز ۱۵ آذر ماه ۱۳۷۹ که ششمین سالگرد اعلام موجودیت سازمان موجدین آزادیخواه ایران است ، به همهٔ موجدین و مسلمین و آزادیخواهان و بویژه به همهٔ مردم مسلمان ایران تبریک می گوئیم ، و آرزوی روزی را داریم که در کنار مردم ایران و در داخل کشور ، سالروزهای مختلف را برگزار نماییم . بدین مناسبت بجاست که در بارهٔ مسئلهٔ اعلام موجودیت و امکان پذیری و عدم امکان پذیری آن در سایهٔ نظامهای استبدادی ، که نظام ولایت مطلقهٔ خمینی نمونهٔ این نظامهای استبدادی است ، صحبت کنیم . در رابطه با چگونگی اعلام موجودیت سما خوانندگان را به مطالعهٔ تاریخچهٔ سما که آنهم در همین ۱۵ آذر منتشر شده است دعوت میکنیم .

اعلام موجودیت ، عبارت است از ظاهر کردن و آشکار گردانیدن یک ساخت و تنظیم سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ، در زمانیکه ساخت و تنظیم مورد نظر تکمیل شده است . و هدف از اعلام موجودیت ، رساندن نام و محتوا و خواست یک ساخت و تنظیم است ، تا بدین وسیله مردم در جریان قضایا گذاشته شوند و امکان واکنش متناسب و با توجه به عقاید و خواست هایشان بوجود آید و امکان دخالت و همکاری مردمی فراهم گردد . اعلام موجودیت ، در نهادها و تنظیمات سیاسی خلاصه نمیشود و نهادها و تنظیمات فرهنگی ، اجتماعی ، اقتصادی ، زیست محیطی و نیز اعلام موجودیت می کنند ، و بدین طریق اهداف خود را به پیش می برند . و اعلام موجودیت هدف نهایی نیست ، بلکه راهی است برای شناساندن ساخت و تنظیمی سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی ، فرهنگی و به اجتماع و اقشار اجتماعی و عرضهٔ آن برای رواج و گسترش در

میان مردم ، و زمینه سازی برای اهداف اعلام شده از طریق نیروهای مادی و انسانی ، و در سایه سازماندهی که برای بکارگیری بجای نیروهای ساخت و سازمان انجام گردیده است .

بعد از اعلام موجودیتِ ساختها و تنظیمها ، مردم واقشارمختلف آن میتوانند نسبت به هر ساخت و تنظیمی که اعلام موجودیت کرده است ، موضع گیری کنند و در رابطه با آن واکنش مثبت یا منفی یا بی طرفانه نشان دهند . و اما نظامهای استبدادی با سرکوب همه احزاب و سازمانها و جریانات (از هر نوعی که باشند) هرگونه اعلام موجودیتی را ممنوع و خطرناک ساخته اند ، و بدین شیوه مردمان و جوامع بشری را از هر انتخابی محروم نموده و بلکه حتی از شنیدن نام آنها احزاب و سازمانها و جریانات مختلف بی بهره کرده اند . در نظامهای استبدادی ، ساخت و تنظیمی میتواند اعلام موجودیت کند و در صحنه اجتماع ظاهر شود که در جهت استمرار حاکمیت استبداد حاکم باشد و آنرا تقویت نماید ، بنابراین ، ساخت و تنظیم ظاهر شده نیز باید « ماهیت استبدادی » داشته باشد . درچنین محیطهای مستبدانه و مطلق شده ای ، به غیر از ساختها و تنظیمات استبدادی و مکمل نظامهای استبدادی ، هیچ ساخت و تنظیم مستقل و آزادیخواهی نمیتواند به صحنه آید و به مردم شناسانده شود ، و خاصتا بنابر اینکه همه دستگاههای اعلامی و تبلیغی و خبری در انحصار نظامهای استبدادی حاکم هستند ، اعلام موجودیت و شناساندن و شناخته شدن ساختها و تنظیمات مستقل و آزادیخواه ، مشکلتر و محالتر میگردد .

زمانیکه ماهیت ساخت و تنظیمی در محیطهای استبدادی ، سیاسی باشد ، مسئله اعلام و اعلام موجودیت و ظاهر شدن ، بکلی منتفی و برای صاحبانش خطرناک می گردد ، و در نتیجه ، صاحبان ساخت ها و تنظیمات سیاسی ، خودشان عمدا سعی و تلاش می کنند که ساخت و تنظیم شان (قبل از اختفاء و پناه گرفتن درجایی و یا فرار و خروج از کشور) علنی و فاش نشود ، و گرنه زندان و اعدام و شکنجه در انتظارشان خواهد بود . بنا بر این ، در سایه حاکمیت نظامهای استبدادی ، طبیعی است که ساخت ها و تنظیمات سیاسی ، کاملاً « **سری و مخفیانه** » تشکیل شوند ، یا اصلاً چنین ساخت ها و تنظیم هایی بوجود نیایند و کسی به فکر چنین چیزهایی نیفتد . و اگر هم ساختها و تنظیمات شبهه سیاسی ، گاه و بیگاه و تاک و توک ، در کشورهای استبداد زده دیده می شوند ، ناشی از دورانهای ضعف نظامهای استبدادی یا جابجا شدن قدرت سیاسی در آن کشورها بوده و بقایای دورانهای ضعف نظامهای استبدادی بحساب می آیند .

نکته مهم و اساسی اینست که هر ساخت و تنظیم سیاسی ، که در یک محیط

استبدادی بوجود آید ، خواه نا خواه و در نهایت ، در تضاد با حاکمیت استبدادی و نظام استبدادی حاکم قرار میگیرد ، مگر اینکه به نحوی از انحاء ، ناشی از مکر و حیلۀ خود مستبدین حاکم باشد . به همین خاطر ، نظامهای استبدادی هیچ گروه و حزب و سازمان سیاسی مستقل و آزادیخواه را تحمل نمیکنند ، و هر نوع تنظیم و جریان سیاسی را خلاف حاکمیت انحصاری و استبدادی خود میدانند و در نتیجه آن را خلاف امنیت ملی! ، و وحدت کشور! ، و مخل نظم و قانون ! معرفی می کنند و به عنوان مخرب و خرابکار! با آن روبرو می شوند و آن را به دشمنان شناخته شدهٔ مردم نسبت میدهند . این درحالیست که هیچ جامعه ای ، دشمنی اساسی تر و خطرناکتر از نظام استبدادی و حاکمیت مستبدین ندارد ، و بدترین و خطرناکترین دشمنان یک اجتماع هرگز به پای شرارت و خطرناکی مستبدین نمیرسند . البته نظامهای استبدادی ، تنها به ساخت ها و موجودیت تنظیمات و تشکلات مردمی و به اعلام موجودیت و ظهور آنها حساسیت ندارند ، بلکه هر وجودی که مستقل و غیر استبدادی باشد (سیاسی و غیر سیاسی) ، ولو این وجود و موجودیت ، یک فرد و شخصیت باشد ، یک نویسنده باشد ، یک خبرنگار باشد و خلاف بقاء و تداوم حاکمیت مخرب استبدادی تلقی می شود ، زیرا اصلاً وجود نظام استبدادی ، وابسته به عقب ماندگی و ناتوانی و رکود اجتماع است . بنابر این ، هر وجودی و هرگونه اظهار وجود و اعلام موجودیتی ، خلاف بقای نظام استبدادی و در نهایت عامل به خطر افتادن استمرار حاکمیت مستبدین میشود . اینست که نظامهای استبدادی جهت تداوم حاکمیت انحصاری و استبدادی و سرکوبگرانهٔ خود ، به هر جنایتی و هر خیانتی و هر حیلۀ ای متوسل می گردند . و الحق مستبدین و نظامهای استبدادی ، خطرناکترین دشمنان انسان در روی زمین هستند ، و اوضاع مصیبتبار بشری حاصل حاکمیت و عملکرد آنهاست . در این میان ، چونکه استعمار و امپریالیسم جهانخوار ، خواستار تداوم حاکمیت نظامهای استبدادی بر کشورهای جهان هستند ، از هر لحاظی ، حامی و پشتیبان آنها قرار گرفته ، و بوسیلهٔ امپریالیسم خبری نیز ، که شب و روز فعال و در کار است ، سلطۀ آنها را و جنایات و خیانتهای آنها را توجیه میکند ، و در راستای ساکت کردن جوامع بشری در تلاش میباشد ، و خصوصاً در حال حاضر که دوران حاکمیت بلامنازع استعمار و امپریالیسم غربی است ، هر نوع مبارزۀ مسلحانه ای یک کار تروریستی !! (وحشت آفرین !!) و هر نوع فعالیت اعتراض آمیز مدنی نوعی آشوبگری قلمداد می شود . و این تبلیغات گسترده و مسموم و خائنانه علیه تحرکات و مبارزات توده ها و جوامع زیر سلطۀ استبداد و استعمار و امپریالیسم ، ناشی از مخالفت غرب با تغییر و تحولات سیاسی ، و بویژه

با جابجایی قدرت سیاسی در کشورهای است .

بنابر این واقعیات ، اظهار وجود و اعلام موجودیت هر فرد و ساخت و تنظیم مستقل و آزادیخواهی ، در سایه حاکمیت نظامهای استبدادی ، بسیار سخت و دشوار است ، و چه بسا از موجودیت تنظیم و تشکلی سالها بگذرد ولی موفق به اظهار وجود و اعلام موجودیت نشود و زمینه های آن فراهم نگردد و یا حتی ممکن است هیچگاه موقعیتی پیش نیاید و در نتیجه برای همیشه مخفی بماند . در تاریخ بشر از چنین نمونه هایی کم نداریم ، و چه موجودیت های بسیار ، و حتی کتب بسیار ، که بعد از قرن ها عمر! وجودشان بر ملا شده است . همچنین چه طرحها و افکار بی شماری که به دلیل وجود استبداد و نظامهای استبدادی هرگز ظهور نکردند و بناچار عقیم و پژمرده شدند . و خلاصه نظامهای استبدادی عامل اصلی رکود و عقیم شدگی بشریت در طول تاریخ هستند .

در کشورها و جوامعی که نظام مطلقه و استبدادی بر قرار است ، اعلام موجودیتها مخفیانه صورت میگیرند! ، یعنی اول کسان و جریاناتی مخفی و پنهان میشوند ، و بعد و بدنبالش ، افکار و خواستههایشان را بنحوی از انحاء بروز میدهند و آن را به جامعه خود می رسانند . اما چونکه محدودیتهای زیادی سر راه اینگونه اعلام موجودیتها وجود دارد ، افکار و خواستههای اعلام شده تنها به بخشهایی از اجتماع می رسد و به زحمت می تواند در میان توده های مردم منتشر شود . علاوه بر اینها امکان ارتباط مردم با صاحبان افکار و خواستههای بیرون داده شده خیلی سخت و دشوار است و مخفی شده ها امکان پاسخگویی به بسیاری از اموری که نیازمند تفصیلات می باشند نخواهند یافت ، و این کسان و جریانات از پاسخ گفتن به شبهاتی که نظامهای استبدادی در این رابطه ایجاد میکنند ، محروم می مانند . اینست که در چنین وضعی ، اعلام موجودیت ها کمتر به هدف خود میرسند و امکان همکاری و پیوند مردم با مبارزین و آزادیخواهان ضعیف میشود ، و اعلام موجودیتها در وضع استبدادی ، بیشتر زمینه سازی بحساب می آید و برد و اثر کوتاه مدت آنها بسیار اندک است . اما در صورت استمرار مبارزه ، برد و اثر دراز مدت آنها بیشتر می شود . و در این شرایط ، فقط اشخاص و جریانات و تنظیمات سرسخت و آرمان خواهی میتوانند در کار خود تداوم و استمرار داشته باشند . در نتیجه حرکات و جریانات فکری ، سیاسی ، و فرهنگی ، و به تبع آن ، اعلام موجودیت تشکلات و تنظیمات و سازمان ها کمتر مشاهده می شود ، و بدین شیوه کل اجتماع و در همه ابعاد ، از جمله در بعد سیاسی ، ضعیف و ناتوان میگردد ، تا روزی که خشم های فرو کوفته جامعه فوران میکند و بر قدرت و قهر نظام استبدادی غلبه می نماید ، آنوقت همه چیز زیر و رو می شود ، و چون اکثر

مبارزین دارای ماهیتی استبدادی هستند و در حقیقت « استبداد محکوم » را تشکیل می دهند ، کار آنها نیز معمولاً به افراط و انحصارگری کشیده میشود ، و در نتیجه ، نظام استبداد جدیدی ، بجای نظام استبدادی قبلی مستقر میشود .

دلیل اینکه جریانات و احزاب و سازمانهای سیاسی ، از نظر نیروی انسانی ضعیف هستند ، علاوه بر کلیه موانع فوق الذکر ، مسئله چگونگی گرویدن مردم به آنها است ، که خطرات و محرومیهای زیادی را در پی دارد ، و اصلاً تعیین خط فکری - عقیدتی و دنبال کردن هرگونه خط و جریان سیاسی در سایه استبداد ، خطر و دردسری و محرومیت بوجود می آورد . همینست که اکثر مردمان جوامع استبداد زده ، علیرغم میل شان ، غیرسیاسی هستند . و در این وضع ، تنها کسانی به جریانات سیاسی ملحق میشوند که یا زیر فشار زندگی روزمره باشند و یا واقعاً انسانهای هدفدار و آزادیخواهی باشند ، به نحوی که استبداد و قلدری و انحصار طلبی جمعی پست و خائن را نتوانند تحمل نمایند . و چون انسان های هدفدار و آزادیخواه ، به دلیل عدم زمینه تکامل اجتماعی ، اندک هستند ، و از طرف دیگر ، نظام های استبدادی ، بنابر حيله گریهای گوناگون ، سعی در تخفیف فشارهای قیام بر انگیز مردم می نمایند ، در نتیجه « **مقابله سیاسی** » با نظامهای استبدادی ، بزحمت توده گیر میشود . این در حالیست که همکاری با نظامهای استبدادی ، نه تنها خطرات عینی و مادی و کوتاه مدت را در پی ندارد ، بلکه امتیازات مادی غیر مشروع را هم به دنبال می آورد ، و سمت ها و مقام های استبدادی نیز در انتظار خائنان به خدا و خلق و عناصر پست و بیهدف میباشد .

کافیست کسی وجدان و دین و انسانیت داشته باشد، و کل مسئله اینست ،

زیرا مستبد حاکم میگوید که من هستم و شما نیستید! ، و همینکه کسی بگوید که من هم هستم! جنگ و درگیری شروع میشود. و در جوامعیکه نظام استبدادی بر آنها حاکم است ، ولی جنگ و درگیری در آنها وجود ندارد ، معنایش اینست که در آن جوامع کسی وجود ندارد که بگوید من هم هستم! ، و این عدم جنگ و درگیری ، بیانگر عمق پستی و بی خاصیتی و بی وجدانی آن جوامع است ، زیرا کسی در آن وجود ندارد که از پایمال شدن حقوق خود رنج ببرد ، و ضعف اجتماع هم ناشی از کمبود انسانهای مؤمن و با وجدان و شریف است .

داستان یک کار سیاسی ، در سایه شوم نظامهای استبدادی ، از این هم فراتر میرود ، و بسیاری از ساختها و تنظیمها و شخصیتهای سیاسی مجبور می شوند که در خارج از کشور و اجتماع خود اعلام موجودیت کنند ، و حتی در خارج! بوجود آیند . اما چون مستبدین همیشه وحشت دارند که مبادا از طرفی و از طریقی غافل شوند ، سعی میکنند که آنها را در خارج از کشور نیز متلاشی سازند

و افراد و اشخاص سیاسی را به قتل برسانند ، و نظام ولایت مطلقه خمینی نمونه واقعی این نوع نظامهای استبدادی و با این نوع عملکرد وحشیانه است . و همینست که به کمک استعمار و امپریالیسم غربی و در سایه همکاری و چراغ سبز آنها ، کشورهای اروپایی نیز ، قتل گاه مخالفین نظام ولایت مطلقه خمینی شده است .

سازمان موحدین آزادیخواه ایران (سماء) ، یکی از این سازمان های فکری - سیاسی است که : در داخل کشور مخفیانه تأسیس شده ، در خارج از کشور (پاکستان) اعلام موجودیت کرده ، و اکنون ، در خارج از کشور ، و در داخل نیز بصورت مخفیانه ، به کار و فعالیت خود ادامه میدهد .

و اما چرا کار سیاسی در کشورهای استبداد زده و غارت شده اینهمه خطرناک و برای مستبدین این همه حساسیت بر انگیز است؟ جواب اینست : کار سیاسی با توجه به اینکه دارای ارزش اساسی است و مرتبط با مسئله رهبری و سیادت و حکومت است ، از حساسیت زیادی برخوردار است ، و سرنوشت ملک و ملت و فرد و اجتماع و کشور مربوط به سیاست و کار سیاسی می شود . بنابراین ، سیاست و کار سیاسی به همه ابعاد زندگی اعم از اقتصادی ، فرهنگی ، اجتماعی ، آموزشی ، نیروهای مسلح و سلاحهایشان ، روابط داخلی و خارجی ، رشد و ترقی ، عدالت و بی عدالتی ، آزادی و سرکوبگری ، استقلال و وابستگی و « **ربط مستقیم** » پیدا میکند ، و نحوه اداره دولت و جامعه و حتی خانواده وابسته بدانست ، و خلاصه سیاست و کار سیاسی ، هست و نیست جامعه و کشور است ، و همه چیز در سایه حاکمیت سیاسی و رهبری سیاسی تعیین و مشخص می شود ، همه اختیارات در دست نظام سیاسی و رهبران سیاسی است ، و بویژه در جوامع استبداد زده ، حکومت و رهبران سیاسی دارای قدرت مطلقه هستند .

اینست که وقتی مستبدین و استعمارگران و امپریالیستها احساس کنند که تصمیمات سیاسی بدست مردم می افتد و همه چیز از انحصار آنها خارج میشود و مردم همه کاره میشوند ، طبیعی است که همه وجودشان به لرزه درآید ، خاصاً که در راه انحصاری کردن قدرت سیاسی و به زیرچنگ انداختن هست و نیست کشورها ، از هر فساد و خیانت و جنایتی گذشته اند . بنابراین ، اگر سیاست و کار سیاسی خطرناک است ، ناشی از اهمیت و با ارزش بودن آنست . و همینست که آنچه استبداد و استعمار از آن میترسند ، سیاست و کار سیاسی ، جریانات و تنظیمات سیاسی و شخصیت های سیاسی است . پس « **خطر دو طرفه است** » ، و مستبدین و استعمارگران نیز از فعالان و مبارزان سیاسی و از آزادیخواهان و استقلال طلبان کم نمی ترسند .

بدیهی است که تداوم چنین وضعی و بقای سلطه استبدادی، تنها در سایه سرکوب مداوم امکان پذیر می شود، و روش «النصر بالرعب» که نظام ولایت مطلقه بدان متکی است باید ابدی شود. این روش و سرکوب مستمر، نیازمند اینست که امکانات اقتصادی کشور، بیشترش صرف خفه سازی و سرکوب مردم شود و نظامهای استبدادی در وزارت اطلاعات و امنیت خلاصه شوند. در این وضعیت، که متأسفانه تا حال و خصوصاً در عصر استعمار و استبداد دست نشانده چنین بوده است، چیزی جز جامعه‌ای سرکوب شده، متلاشی شده، وحشت زده، پایمال گردیده، فاقد هرگونه حق و حقوق، فاقد هرگونه قانون و مقررات، فاقد نظم و نظام، فاقد عرف و تربیت، فاقد معیشت و اقتصاد، فاقد بهداشت و درمان، و فاقد هر آنچه را که میتوان نام تکامل و تمدن بر آن نهاد، وجود نخواهد داشت. و نمونه این وضعیت در بسیاری از کشورهای جهان، از جمله در کشورهای اسلامی و در میان توده‌های غارت شده، که حتی فاقد خواندن و نوشتن هستند، بوضوح قابل مشاهده و قابل لمس است. و «تداوم سرکوب و جنگ و وابستگی»، پایه های این کشورها و جوامع را تشکیل می دهند، و منابع و در آمد مالی و اقتصادی این کشورها و جوامع، علاوه بر سرکوب مردم، صرف خرید سلاح و تجهیزات جنگی از دول استعمارگر و صرف واردات کالایی می شود که اقتصاد استعمارگران را شکوفا می سازد. بعد هم سلاح ها و تجهیزات استعماری، صرف تخریب کشورهای استبداد زده و کشتار مردمانش گردیده، و کالاهای وارداتی هم، علاوه بر تاراج منابع اقتصادی، مایه بیکارگی و رکود جوامع تحت سلطه استبداد و استعمار می شود.

الله اکبر الله اکبر، سلام بر موحدین - مرگ بر استبداد، بر قرار باد آزادی
بر کنار باد نظام ولایت مطلقه خمینی - بر قرار باد جمهوری متحده مردمی
شعله و رباد قیام پایانبخش توده ها - پیش بسوی آزادی و مردمسالاری و کثرتگرایی

موسی عمران (علی تشارکی)

رهبر سازمان موحدین آزادیخواه ایران

۱۵ آذر ۱۳۷۹ - ۸ رمضان ۱۴۲۱